



جمهوری اسلامی ایران

فرهنگستان زبان و ادب فارسی

# دستور خط فارسی

مصوب

فرهنگستان زبان و ادب فارسی

فرهنگستان زبان و ادب فارسی

۱۶

دستور خط فارسی  
فرهنگستان زبان و ادب فارسی (نشر آثار)

چاپ دوم: فروردین ۱۳۸۲

شماره: ۱۰۰۰۰ نسخه

بها: ۳۰۰ تومان

چاپ و لیتوگرافی: نقره آبی

حق چاپ محفوظ است.

فهرست نویسی پیش از انتشار کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

فرهنگستان زبان و ادب فارسی.  
دستور خط فارسی / مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی. - تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، (نشر آثار)، ۱۳۸۱.  
۵۶ ص. - (فرهنگستان زبان و ادب فارسی؛ ۱۶)  
۳۰۰۰ ریال. شابک: ۳-۱۳-۷۵۳۱-۹۶۲-3 - 13 - 7531 - 964 - ISBN  
فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.  
۱. خط فارسی. ۲. خط فارسی -- تغییر. ۳. فارسی -- املاء. الف. عنوان.  
۲ ۵ ۱ / ۷ PIR ۲۷۲۱ / ف ۳ د ۵  
کتابخانه ملی ایران  
۱۱۳۵۲ - ۸۱ م

## فهرست

۱	مقدمه
۹	قواعد کلی
۹	۱. حفظ چهره خط فارسی
۹	۲. حفظ استقلال خط
۹	۳. تطابق مکتوب و ملفوظ
۱۰	۴. فراگیر بودن قاعده
۱۰	۵. سهولت نوشتن و خواندن
۱۰	۶. سهولت آموزش قواعد
۱۰	۷. فاصله‌گذاری و مرزبندی کلمات برای حفظ استقلال کلمه و درست‌خوانی
۱۱	ویژگیهای خط فارسی
۱۶	جدول ۱. نشانه‌های خط فارسی (نشانه‌های اصلی)
۲۰	جدول ۲. نشانه‌های خط فارسی (نشانه‌های ثانوی)
۲۱	املاي بعضی از واژه‌ها و پیشوندها و پسوندها
	ای (حرف ندا) ۲۱؛ این، آن ۲۱؛ همین، همان ۲۱؛ هیچ ۲۱؛ چه ۲۱؛
	را ۲۱؛ که ۲۱؛ این ۲۲؛ به ۲۲؛ بای زینت، نون نفی، میم نهی ۲۲؛
	بی ۲۲؛ می و همی ۲۲؛ هم ۲۳؛ تر و ترین ۲۳؛ ها (نشانه جمع) ۲۳.
۲۴	مجموعه ام، ای، است، ...

۲۵	ضمایر ملکی و مفعولی
۲۶	یای نکره و مصدری و نسبی
۲۷	کسرة اضافه
۲۸	نشانه همزه
۲۸	همزه میانی
۲۹	همزه پایانی
۳۱	جدول ۳. راهنمای کتابت همزه
۳۴	واژه‌ها و ترکیبات و عبارات مأخوذ از عربی -ة- ۳۴؛ -و- ۳۵؛ الف کوتاه ۳۵
۳۶	تنوین، تشدید، حرکت‌گذاری، هجای میانی «-وو-»
۳۸	ترکیبات
۳۸	الف) کلمات مرکبی که الزاماً پیوسته نوشته می‌شود
۴۰	ب) کلمات مرکبی که الزاماً جدا نوشته می‌شود
۴۳	واژه‌هایی با چند صورت املایی
۴۳	فهرست واژه‌های دارای دو یا چند صورت املایی با ضبط مختار
۵۰	فهرست اعلام دارای دو یا چند صورت املایی با ضبط مختار

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

### مقدمه

خط چهرهٔ مکتوب زبان است و همان‌گونه که زبان از مجموعهٔ اصول و قواعدی به نام «دستور زبان» پیروی می‌کند، خط نیز باید پیرو اصول و ضوابطی باشد که ما مجموع آن اصول و ضوابط را «دستور خط» نامیده‌ایم. خط فارسی، به موجب اصل پانزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، خط رسمی کشور ماست و کلیهٔ اسناد رسمی و مکاتبات و کتابهای درسی باید به این خط نوشته شود و طبعاً چنین خطی باید قواعد و ضوابطی معلوم و مدوّن داشته باشد تا همگان، با رعایت آنها، هویت خط را تثبیت کنند و محفوظ دارند. تدوین مجموعهٔ قواعد و ضوابط خط فارسی، مخصوصاً در سالهای اخیر که استفاده از رایانه در عرصهٔ خط و زبان روزافزون شده و حروفچینی و صفحه‌آرایی و ویرایش و نمونه‌خوانی و تهیهٔ نمایه و کارهای بسیار دیگری در حوزهٔ نگارش و چاپ بر عهدهٔ رایانه قرار گرفته و در نتیجه دایرهٔ شاغلان به امر چاپ و تکثیر از حلقهٔ متخصصان سنتی این فن بسی فراتر رفته و فراخ‌تر شده، ضرورت و اهمیت بیشتری پیدا کرده است، چنان‌که نگرانی از خطر بروز تشتت و اعمال سلیقه‌های مختلف و متضاد نیز نسبت به گذشته افزایش یافته است.

در باب دستور خط فارسی، همواره اختلاف سلیقه و مشرب وجود داشته است؛ بعضی طرفدار بازگذاشتن دست نویسنده در انتخاب شیوه نگارش بوده و حداکثر جواز و رخصت را تجویز می‌کرده‌اند و بعضی دیگر، برعکس، گرایش به وضع قوانینی عام و قطعی و تخلف‌ناپذیر داشته و آرزو می‌کرده‌اند که در عالم خط و کتابت نیز قوانینی شبیه قوانین حاکم بر علایم ریاضیات حاکم باشد. از جهتی دیگر، برخی از اهل فن معایب و مشکلات موجود در خط فارسی را تا آن اندازه فراوان و جدی دانسته‌اند که رفع آنها را جز با افزودن و درکار آوردن حروف و علایم جدید میسر نمی‌شمرده‌اند و گروهی دیگر کمترین تحوّل و تبدیلی را در خط فعلی نپذیرفته و آن را به زبان می‌دانسته‌اند.

فرهنگستان زبان و ادب فارسی جمهوری اسلامی ایران، به حکم وظیفه‌ای که برحسب اساسنامه خود در پاسداری از زبان و خط فارسی برعهده دارد، از همان نخستین سالهای تأسیس، درصدد گردآوری مجموع قواعد و ضوابط خط فارسی و بازنگری و تنظیم و تدوین تصویب آنها برآمد و در این کار راه میانه را برگزید و کوشید تا در تدوین «دستور خط فارسی» اعتدال را رعایت کند. نخستین بار، در سال ۱۳۷۲، به ابتکار جناب آقای دکتر حسن حبیبی، ریاست وقت فرهنگستان، کمیسیونی به مدیریت دکتر علی‌اشرف صادقی و سپس استاد احمد سمیعی، اعضای پیوسته فرهنگستان، تشکیل شد.<sup>۱</sup> این کمیسیون، با تشکیل جلسات متعدّد، دستور خط پیشنهادی خود را به شورای

۱. اعضای این کمیسیون عبارت بودند از آقایان دکتر محمدرضا باطنی (۱۶ جلسه، از ۷۲/۲/۷ تا ۷۲/۶/۳۰)، دکتر جواد حدیدی، دکتر علی‌محمد حق‌شناس، دکتر حسین داودی، استاد اسماعیل سعادت، استاد احمد سمیعی (گیلانی)، مرحوم دکتر جعفر شعار، دکتر علی‌اشرف صادقی (که تا جلسه مورخ ۲۸ دی ۱۳۷۲ شرکت داشتند و پس از آن به علت مسافرت برای استفاده از فرصت مطالعاتی در جلسه شرکت نکردند)، مرحوم دکتر مصطفی مقزّبی و استاد ابوالحسن نجفی.

### دستور خط فارسی ۳

فرهنگستان تسلیم کرد و شورا با دقت و کندوکاو و جدیت بسیار، طی ۵۹ جلسه، آن را مورد بحث و بررسی قرار داد.<sup>۱</sup> نظر شورا همواره بر آن بود که در تدوین و تصویب مجموعه قواعد و ضوابط خط فارسی، از افزودن حرف و علامت جدید به مجموعه حروف و علائم موجود خط فارسی پرهیز کند و همان‌گونه که در ضمن نخستین اصل از قواعد کلی دستور خط مذکور در این دفتر آمده است، سعی کرد تا چهره خط فارسی حفظ شود. این اعتدال و احتیاط از آن جهت ضروری دانسته شد که، به اعتقاد اعضای فرهنگستان، خط اصولاً طبیعت و ماهیتی دارد بسی پیچیده‌تر از علائم علمی مانند ریاضیات، و توقع قانونمندی مطلق و قاطع از خط داشتن و راه را بر هرگونه استنباط و سلیقه بستن با این طبیعت ناسازگار است. علاوه بر این، فرهنگستان، در بررسی و تصویب قواعد و ضوابط خط فارسی، معتقد بوده است که تثبیت قواعد متعارف و کمابیش مرسوم خط فارسی، در اوضاع و احوال فعلی، ضروری‌تر و سودمندتر است از واردکردن حرف و علامتی جدید که ممکن است، با برانگیختن عقاید موافق و مخالف و صف‌آرایی و جبهه‌گیری، به اصل مقصود که همانا تثبیت آن قواعد است لطمه جدی وارد کند.

۱. دستور خط فارسی در شورای فرهنگستان در دو شور مورد بحث و بررسی قرار گرفت. شور اول جمعاً در ۴۱ جلسه (از ۷۴/۷/۳ تا ۷۶/۹/۳) و شور دوم در ۱۸ جلسه (از ۷۷/۲/۲۸ تا ۷۷/۹/۱۶) صورت گرفت. اعضای شورا در این جلسات عبارت بودند از: مرحوم استاد احمد آرام (فقط ۸ جلسه)، استاد عبدالمحمد آبتی، دکتر نصرالله پورجوادی، مرحوم دکتر احمد تفضلی (۲۵ جلسه)، دکتر حسن حبیبی، دکتر غلامعلی حداد عادل، دکتر جواد حدیدی (۱۲ جلسه)، از ۷۷/۴/۸)، استاد بهاء‌الدین خرمشاهی، دکتر محمد خوانساری، دکتر علی رواقی، دکتر بهمن سرکاراتی، استاد اسماعیل سعادت (۱۲ جلسه، از ۷۷/۴/۸)، استاد احمد سمیعی، دکتر علی‌اشرف صادقی، دکتر حمید فرزام، سرکار خانم دکتر بدرالزمان قریب (۱۲ جلسه، از ۷۷/۴/۸)، دکتر فتح‌الله مجتبایر (۷ جلسه، از ۷۷/۴/۸)، دکتر مهدی محقق، دکتر حسین معصومی همدانی (فقط ۱ جلسه)، مرحوم دکتر مصطفی مقرئ (۵۰ جلسه)، استاد ابوالحسن نجفی، همچنین آقایان دکتر جواد حدیدی (تا جلسه ۱۴۴ مورخ ۷۷/۴/۸) و دکتر حسین داودی و مرحوم دکتر جعفر شعار نیز به عنوان صاحب‌نظر در این جلسات حضور داشتند.

فرهنگستان در پی آن بود که تا سرحد امکان خط فارسی را قانونمند و قاعده‌پذیر سازد تا از آشفتگی و هرج و مرج جلوگیری شود؛ اما از توجه به طبیعت خط به طور کلی و به ویژه طبیعت خط فارسی و نیز ذوق و سلیقه و پسند اهل فن غفلت نکرد و، هر جا اعمال قانون را موجب پدید آمدن فهرست بالابندی از استثناها دید، از تصویب و تجویز آن خودداری کرد و، با رعایت انعطاف، میدان را برای ذوق و سلیقه باز گذاشت.

پس از آنکه با بررسی‌های طولانی، اصلاحات لازم در پیشنهاد کمیسیون اولیه اعمال شد، مجموعه قواعد و ضوابط، پیش از تصویب نهایی، به صورت پیشنهاد در دفتری به نام «دستور خط فارسی»<sup>\*</sup> منتشر گردید و به حضور استادان و صاحب‌نظران و معلمان و نویسندگان و عموم کسانی که با شیوه نگارش و املاي خط فارسی سروکار دارند تقدیم شد تا با ملاحظه آن، رأی و نظر خود را اعلام کنند و اگر در آن نقص یا خطایی می‌بینند متذکر شوند.

بسیاری از مؤسسات علمی و صاحب‌نظرانی که آن متن پیشنهادی را دریافت کرده بودند از سر لطف در آن تأمل کردند و با ارسال آراء خود فرهنگستان را در تهذیب و تکمیل این قواعد و ضوابط یاری نمودند. در پایان مهلت مقرر، آراء رسیده، که بعضی متضمن اظهارنظرهای کلی و بعضی مشتمل بر جرح و تعدیل و نقد قواعد و ضوابط بود، برحسب نظم موجود در متن پیشنهادی، تفکیک شد و یکجا در مجموعه‌ای نسبتاً مفصل در اختیار اعضای شورای فرهنگستان قرار گرفت. شورا بار دیگر بررسی دستور خط فارسی را در دستور کار خود قرار داد و با ملاحظه همه اظهارنظرهای رسیده از سوی صاحب‌نظران و نیز اعضای پیوسته فرهنگستان، طی ده جلسه به بازنگری در متن پیشنهادی اولیه پرداخت و

\* آقای دکتر سلیم نیساری قبلاً کتابی با همین عنوان به طبع رسانده‌اند: دستور خط فارسی، تهران، ۱۳۷۴.



سرانجام «دستور خط فارسی» را در جلسه دویست و یازدهم خود در تاریخ ۸۰/۴/۳۰ تصویب کرد و آن را برای تأیید و تنفیذ به حضور ریاست محترم جمهور و ریاست عالیة فرهنگستان زبان و ادب فارسی جمهوری اسلامی ایران تقدیم کرد.

در این مقدمه، توجه خوانندگان را، پیش از آنکه به قواعد خط فارسی مذکور در این دفتر نظر کنند، به چند نکته جلب می‌کند:

۱. این مجموعه، در وهله اول، نه برای متخصصان زبان و ادبیات فارسی و زبان‌شناسان بلکه برای مخاطبانی نوشته شده است که با زبان فارسی در حد عموم باسوادان و تحصیل‌کردگان جامعه ما آشنایی دارند. به همین جهت، در نگارش آن سعی شده است تا از استعمال اصطلاحات و تعاریفی که فهم آنها تنها برای متخصصان میسر باشد خودداری شود و حتی‌الامکان از زبانی استفاده شود که برای عامه باسوادان به آسانی قابل درک باشد. همین امر ممکن است ناگزیر سبب شده باشد که گاهی از دقت مطلب کاسته شود و چون سهولت استفاده از قواعد و پرهیز از سنگینی و گران‌بازی مطالب اهمیت داشته است، از وضع قاعده برای بعضی از موارد استثنا خودداری شود، هرچند ممکن است متخصصان بتوانند در ضمن مباحث علمی خود با موشکافی برای آن استثناها نیز قاعده یا قواعدی وضع کنند.

۲. در دهه‌های اخیر، بیشترین اختلاف نظر در باب شیوه املاي کلمات فارسی بر سر موضوع جدانویسی و یا پیوسته‌نویسی کلمات مرکب بوده است. فرهنگستان، چنان‌که گفته شد، در این باب راه‌میانه را برگزیده و کوشیده است تا فقط مواردی را که جدانویشتن و یا پیوسته‌نوشتن آنها الزامی است، تحت قاعده و ضابطه درآورد و شیوه نگارش باقی کلمات مرکب را به ذوق و سلیقه نویسندگان واگذار کند.

۳. همه مسائل و مشکلات خط فارسی در این دفتر مطرح نشده و آیینمذکر کردن اموری از قبیل نشانه‌گذاری یا سجاوندی و شیوه برگردان

کلمات خارجی به خط فارسی و یا کلمات فارسی به خط خارجی در این مجموعه قواعد مورد نظر نبوده است.

۴. شعر فارسی همه‌جا از قواعد و ضوابط عمومی دستور خط فارسی پیروی نمی‌کند و، گهگاه به ضرورت، از قواعد دیگری پیروی می‌کند. این دستور خط نه برای شعر فارسی، بلکه برای نثر فارسی تدوین و تنظیم شده است؛ بنابراین در آینده می‌توان آن را با ضمیمه‌ای متناسب با شعر فارسی تکمیل کرد.

۵. سلیقه‌های خاص خطاطان، که از دیرباز در عرصه هنر خوشنویسی در نگارش خط فارسی مرسوم و معمول بوده، از دایره بحث و بررسی بیرون نهاده شده است.

۶. در بیان قواعد، چنان‌که در تدوین متون قانونی مرسوم و متداول است، از ذکر حالت خودداری شده، اما در بیان موارد استثنا، سعی شده است تا علت استثنا بیان شود.

۷. برای روشن‌تر شدن معاد قواعد، در ذیل هر قاعده شواهدی ذکر شده است. در مواردی که برای قاعده استثنایی مقرر گشته، فهرست بسته تمام موارد استثنا به دست داده شده و یا خود استثنا به صورت قاعده درآمده است.

۸. هر جا قاعده‌ای ذکر شده است، آن قاعده معمولاً با افزوده شدن اجزایی مانند «بای نسبت» و یا «های بیان حرکت» (های غیرملفوظ) به آخر کلمه و، در نتیجه طولانی‌تر شدن املائی کلمه، تغییر نمی‌کند. مثلاً اگر در نوشتن «همکار» به سبب تک‌هجایی بودن جزء دوم کلمه، حکم به اتصال دو جزء «هم» و «کار» داده شده است، این حکم با افزوده شدن «ی» در کلمه «همکاری» نیز اعمال می‌شود.

۹. سعی شده است که «دستور خط فارسی» با جدولهای متعدد و مفصلی همراه گردد تا دستیابی استفاده‌کنندگان به همه موارد آسان‌تر و سریع‌تر شود.

فرهنگستان از همه کسانی که با ملاحظه متن پیشنهادی اولیه در باره آن اظهار نظر کرده‌اند تشکر می‌کند و به‌ویژه از مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، که نکته‌هایی در باب دستور خط فارسی متذکر شده‌اند سپاسگزار است.

همچنین از گروهی از استادان دانشگاه‌های اصفهان و دانشگاه آزاد اسلامی تهران، رشت، خمینی شهر و دهقان که نظر خود را بدون ذکر نام ارسال کرده‌اند و نیز از آقایان و خانمها دکتر محمدمهدی رکنی و دکتر مهدی مشکوة‌الدینی (از دانشگاه فردوسی مشهد)، دکتر غلام‌حسین غلامحسین‌زاده (از دانشگاه تربیت مدرس)، دکتر کتابون مزداپور و دکتر ایران کلباسی (از پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)، دکتر علی‌اکبر ترابی (از دانشگاه صنعتی سهند تبریز)، دکتر بهروز ثروتیان و دکتر مصطفی ذاکری، دکتر رحمان مشتاق‌مهر (از دانشگاه تربیت معلم تبریز)، دکتر مرتضی کاخی (از انتشارات امیرکبیر)، بهندیس احمد منصوری (از انتشارات فرهنگان)، سرتیپ غلامرضا زندیان (از دفتر واژه‌گزینی نیروهای مسلح)، محمدرضا زرسنج (از آموزش و پرورش اسنان فارس)، علی شریفی (از دفتر مجلات و نشر شاهد)، علی مصریان و محمدرضا طاهرزاده و جاوید جهانشاهی و ناصر داور و تماس معارفی و بتول کرباسی و از استادان دکتر جلال متینی (مقیم ایالات متحده آمریکا)، دکتر کاظم ابهری (مقیم استرالیا) و سید مصطفی هاشمیان (مقیم بزرک) که با ارسال نقد و نظر خود در تدوین این مجموعه سهیم بوده‌اند تشکر می‌کند.

فرهنگستان در تدوین این مجموعه و امداد همه کسانی است که در دهه‌های گذشته و سالهای اخیر در این باب تلاش کرده‌اند و مخصوصاً از استادان احمد سمیعی و ابوالحسن نجفی، اعضای پیوسته فرهنگستان، که در تألیف این دفتر سهمی عمده برعهده داشته‌اند تشکر می‌کند. از آقای دکتر حسین داودی و خانم زهرا زندی‌مقدم نیز که در تکمیل و تنظیم این

## ۸ دستور خط فارسی

مجموعه تلاش کرده‌اند سپاسگزار است و یاد استادان درگذشته مرحوم دکتر مصطفی مقرّبی و مرحوم دکتر جعفر شعار را گرامی می‌دارد.\* امید است انتشار «دستور خط فارسی» انتظار همه کسانی را که خواهان آیینمندی و انضباط بیشتر خط فارسی‌اند برآورد و گامی در راه استواری پایه‌های زبان و خط فارسی محسوب شود.

غلامعلی حدّاد عادل

رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی

---

\* از آقایان دکتر حسین واثق (از وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی)، حسین موقّق (از دانشگاه صنعتی اصفهان)، موسی صدیقی (از وزارت ارشاد)، مهدی میرجایی، صالح آزاده‌دل و م. ی. قطبی که با اظهار نظر کتبی در باب خط فارسی فرهنگستان را یاری کرده‌اند سپاسگزار می‌شود.

## قواعد کلی

### ۱. حفظ چهره خط فارسی

از آنجا که خط در تأمین و حفظ پیوستگی فرهنگی نقش اساسی دارد، نباید شیوه‌ای برگزید که چهره خط فارسی به صورتی تغییر کند که مشابهت خود را با آنچه در ذخایر فرهنگی زبان فارسی به جا مانده است به کلی از دست بدهد و در نتیجه متون کهن برای نسل کنونی نامأنوس گردد و نسلهای بعد در استفاده از متون خطی و چاپی قدیم دچار مشکل جدی شوند و به آموزش جداگانه محتاج باشند.

### ۲. حفظ استقلال خط

خط فارسی نباید تابع خطوط دیگر باشد و لزوماً و همواره از خط عربی تبعیت کند. البته در نقل آیات و عبارات قرآن کریم، رسم الخط قرآنی رعایت خواهد شد.

### ۳. تطابق مکتوب و ملفوظ

کوشش می‌شود که مکتوب، تا آنجا که خصوصیات خط فارسی راه دهد، با ملفوظ مطابقت داشته باشد.

#### ۴. فراگیر بودن قاعده

کوشش می‌شود که قواعد املا به گونه‌ای تدوین شود که استثنا در آن راه نیابد، مگر آنکه استثنا خود قانونمند باشد و یا استثناها فهرست محدود تشکیل دهد.

#### ۵. سهولت نوشتن و خواندن

قاعده باید به گونه‌ای تنظیم شود که پیروی از آن کار نوشتن و خواندن را آسان‌تر سازد، یعنی تا آنجا که ممکن است، رعایت قواعد وابسته به معنا و قرینه نباشد.

#### ۶. سهولت آموزش قواعد

قواعد باید به صورتی تنظیم شود که آموختن و به کار بردن آنها تا حد امکان برای عاقله بسوادان آسان باشد.

#### ۷. فاصله‌گذاری و مرزبندی کلمات برای حفظ استقلال کلمه و درست خوانی

فاصله‌گذاری میان کلمات، خواه بسیط و خواه مرکب<sup>۱</sup>، امری ضروری است که اگر رعایت نشود طبعاً سبب بدخوانی و ابهام معنایی می‌شود. در نوشته‌های فارسی دو نوع فاصله وجود دارد: یکی فاصله «برون‌کلمه» یعنی فاصله‌گذاری میان کلمه‌های یک جمله یا عبارت، مانند «یکی از صاحب‌دلان سر به جیب مبادت فرو برده بود» (این فاصله در ماشین تحریر و رایانه «فاصله یک‌حرفی» خوانده می‌شود)؛ دیگری فاصله «درون‌کلمه» که معمولاً میان اجزای ترکیب و اغلب در حروفی منفصل می‌گذارند: ورود، آزادمرد، خردورزی، پردرآمد (این فاصله در تداول نیم فاصله خوانده می‌شود). رعایت این نیم فاصله به ویژه در دست‌نوشته‌ها دشوار است و از این رو اختیاری است و می‌توان ابهام تلفظی را در ترکیب‌هایی مانند خردورزی با حرکت‌گذاری بر طرف کرد.

۱. مرکب با ترکیب به معنای اعم کلمه گرفته شده است و شامل کلمه‌هایی مانند کتابخانه، داروخانه، گلاب، دانشجو، دانش‌پرور، خردورزی، تورم‌زا، غذاخوری، همدلی، ارجمند، بروسی، بازگویی، کتابچه، دفترچه می‌شود.

## ویژگیهای خط فارسی

خط فارسی دارای ویژگیهایی است. این ویژگیها و مثالهای هر یک در زیر مشخص شده است:

الف) برای بعضی از صداها بیش از یک علامت وجود دارد<sup>۱</sup>  
ت (در تاز، چتر، دست، سوت)، ط (در ظاهر، خطر، ضبط، شرط)؛  
ز (در زن، بزم، تیز، باز)، ذ (در ذرت، غذا، کاغذ، نفوذ)، ض (در ضرب، حضرت، تبعیض، فرض)، ظ (در ظاهر، نظر، حفظ، حفاظ)؛  
ث (در ثبت، مثل، عبث، حادث)، س (در سبد، بسر، نفس، ستروس)،  
ص (در صبر، نصر، تفحص، حرص)؛  
غ (در غالب، مغز، تیغ، باغ)، ق (در قالب، فقیر، حلق، برقی)؛  
همزه (در اسم، اسب، آرد، مأخذ، قرآن، رأس، یأس، رؤیا، نؤم، رئیس،  
لثیم، متلائع، جزء)، ع (در علم، رعد، وضع)؛  
ح (در حاکم، سحر، شبح، روح)، ه (در هاشم، شهر، فقه، دانشگاه)

۱. آنچه درباره تلفظ حروف در اینجا آمده مطابق با زبان معیار رایج در تهران است. در نواحی مختلف ایران میان تلفظ بعضی از حروف فرق می‌گذارند که در اینجا باری به ذکر آن نیست.

- ـِ (در اسم و نامه)
- ـَ (در اسب و نه)
- ـُ (در بُلند و رُوز)

ب) بعضی حروف نمایندهٔ بیش از یک صدا هستند:

- و مثل دو (عدد)، جو
- مور، روز، لیمو، دارو
- وام، جواب، روان، ناو، لغو
- جوشن، روشن، نو، رهرو
- خواهر، خویش
- ی مثل یار، پیدا، نای
- میز، ریز، پری
- موسی، حتی، علی رغم
- ه مثل هوا، مهر، مشابه، دانشگاه
- نامه، دَره

ج) «و»، اگر پس از «خ» قرار گیرد، گاهی خوانده نمی‌شود، چنان‌که در واژه‌های زیر:

خوان، خویش، خواهر  
این «و» که آن را «واو معدوله» می‌گویند، در قدیم تلفظ خاصی داشته است که امروزه دیگر متداول نیست.

د) مصوّت‌های ـِ، ـَ، ـُ معمولاً در خط منعکس نمی‌شود و به همین سبب، بسیاری از کلمات با املاهای مشابه، تلفظ و معنای متفاوت دارند:

برد: بُرد، بُرد، بُرد، بُرد





ه/هـ/هـ/هـ/هـ

ی/ی/ی/ی/ی

و) حروف فارسی دو دسته است:

۱. منفصل (پیوندناپذیر) که به حرف بعد از خود نمی چسبند (ا، د، ذ، ز، ژ، و).
۲. متصل (پیوندپذیر) که به حرف بعد از خود می چسبند.

ز) علاوه بر حروف، در خط فارسی نشانه‌های دیگری به شرح زیر وجود دارد:

۱. حرکات یا مصوّت‌های کوتاه (ـَ، ـِ، ـُ)، مانند پَر، پُز، پُر
۲. مَد (ـِ) روی الف، مانند آرد، مآخذ
۳. تشدید (ـِ) مانند عَدّه، پَلّه، بَقالی، اَرّه
۴. سکون (ـِ) مانند لبّ تشنه
۵. یای کوتاه (ـِ) مانند نامه من
۶. تنوین (ـِ، ـِ، ـِ) مانند ظاهراً، عبارۀ آخری، مضاف‌الیه

ح) در املائی کلمات و ترکیبات و عبارات عربی، که عیناً وارد زبان فارسی شده است، در بعضی موارد، قواعد املائی عربی رعایت می شود:  
موسی، بالقوه، خَلَقَ السَّاعه، حتّی، الی

ط) دو حرف «و» و «ه» گاهی برای بیان حرکت به کار می رود.

و اگر برای بیان حرکت ماقبل خود به کار رود سه نوع است:

۱. مصوّت کوتاه، مانند دو، تو، چو
  ۲. مصوّت مرکّب، مانند اوج، گوهر، روشن، نو (مثلاً در نوروز)
  ۳. مصوّت بلند، مانند مور، روز، موش، سیو، لیمو، تکاپو
- ه/هـ برای بیان حرکت (ـِ) و ندرتاً (ـِ) به کار می رود:  
شماره، نامه، خانه، نه

## دستور خط فارسی ۱۵

ی) در خط فارسی دودسته نشانه به کار می‌رود: ۱. نشانه‌های اصلی ۲. نشانه‌های ثانوی.

نشانه‌های اصلی مرکب از ۳۴ نشانه است که به آنها حروف الفبا می‌گوییم. بعضی از حروف به تنهایی نماینده بیش از یک صداست (مانند «و») و بعضی دیگر مجموعاً نماینده یک صدا (مانند ث، س، ص).

نشانه‌های ثانوی مرکب از ۹ نشانه است که در بالا یا پایین نشانه‌های اصلی قرار می‌گیرد و در هنگام ضرورت به کار می‌رود.

فهرست کامل نشانه‌های خط فارسی، همراه با مثال، در صفحات بعد در ضمن دو جدول آمده است. یادآوری می‌شود که این حروف برای خط چاپی است. الفبای خط تحریری و نستعلیق تنوع بیشتری دارد.

جدول ۱. نشانه‌های خط فارسی  
نشانه‌های اصلی

شماره	نام نشانه	اَوَّل که فقط به حرف بعد بچسبد	وَسَط که هم به حرف قبل و هم به حرف بعد بچسبد	آخِر که فقط به حرف قبل بچسبد	تَنهَا که نه به حرف قبل و نه به حرف بعد بچسبد
۱	همزه	رئیس، رئایس	لثیم	أ، حَ، عِ	جزء، رأس
۲	آ	-	-	أ، آ	آب، دارا
۳	الف	-	-	ا	اسب، خانه‌ای
۴	ب	بار، دبیر	طبل	ب	آب
۵	پ	پدر، آپارتمان	سپاه	پ	توپ
۶	ت	تار، رتبه	استان	ت	دوات
۷	ث	ثابت، وراثت	مثل	ث	ارث

\* الف کوتاه (ا) روی «ی» در کلمه‌هایی چون حَتِّین، الم، موسی عیناً از عربی وارد خط فارسی شده است.

\*\* نشانه نوشتاری «ة / ة» در کلمه‌هایی چون صلوة، دایرة المعارف، بقیة الله، سریع الحریکه عیناً از عربی وارد خط فارسی شده است.

شماره	نام نشانه	اَوَّل که فقط به حرف بعد پیوسته	وسط که هم به حرف قبل و هم به حرف بعد پیوسته	آخر که فقط به حرف قبل پیوسته	تنها که نه به حرف قبل و نه به حرف بعد پیوسته
۸	جیم	ج جان، مواجب	ج مجلس	ج رنج	ج موج
۹	چ	چ چشم، کوچه	چ پامچال	چ پنج	چ پوچ
۱۰	ح	ح حال، رحم	ح محل	ح صبح	ح روح
۱۱	خ	خ خال، ناخن	خ سخن	خ نخ	خ شاخ
۱۲	دال	-	-	د صدف	د دست، آدم
۱۳	ذال	-	-	ذ بدل	ذ ذرت، نفوذ
۱۴	ر	-	-	ر سرد	ر رنگ، سوار
۱۵	ز	-	-	ز مزد	ز زنگ، نیاز
۱۶	ژ	-	-	ژ مژده	ژ زاله، دژ
۱۷	سین	س سیب، آسیب	س مست	س میس	س داس
۱۸	شین	ش شور، آشوب	ش کشتی	ش آتش	ش هوش
۱۹	صاد	ص صابون، اصیل	ص عصر	ص شخص	ص خاص

شماره	نام نشانه	اَوَّل	وسط	آخر	تنها
		که فقط به حرف بعد پیوسته	که هم به حرف قبل و هم به حرف بعد پیوسته	که فقط به حرف قبل پیوسته	که نه به حرف قبل و نه به حرف بعد پیوسته
۲۰	ضاد	ض	ض	ض	ض
		ضرب، حاضر	حضرت	قبض	فرض
۲۱	طا	ط	ط	ط	ط
		طباب، باطن	خطاب	بسط	افراط
۲۲	ظا	ظ	ظ	ظ	ظ
		ظهور، ناظم	نظم	حفظ	حفاظ
۲۳	عین	ع	ع	ع	ع
		عمل، اعمال	میعت	طبع	شجاع
۲۴	غین	غ	غ	غ	غ
		غذا، کاغذ	مغز	تبع	باغ
۲۵	ف	ف	ف	ف	ف
		فصل، دفتر	گفتار	ردیف	برف
۲۶	قاف	ق	ق	ق	ق
		قند، باقی	بقا	حق	ساقی
۲۷	کاف	ک	ک	ک	ک
		کتاب، ساکت	سکته	سبک	پاک
۲۸	گاف	گ	گ	گ	گ
		گل، آگاه	نگهبان	بانگ	بزرگ
۲۹	لام	ل	ل	ل	ل
		لازم، ناله	علم	عمل	دل
۳۰	میم	م	م	م	م
		مادر، نامه	عمل	علم	نام
۳۱	نون	ن	ن	ن	ن
		نام، لانه	قند	زمین	زمان

شماره	نام نشانه	اَوَّل	وَسَط	آخِر	تَنهَا
		که فقط به حرف بعد پیچید	که هم به حرف قبل و هم به حرف بعد پیچید	که فقط به حرف قبل پیچید	که نه به حرف قبل و نه به حرف بعد پیچید
۳۲	واو	—	—	و	واهر، دارو، ناو
۳۳	ه	هـ	هـ	هـ	کوه، روزه
۳۴	ی	ی	ی	ی	یاد، دیوار

جدول ۲. نشانه‌های خط فارسی  
نشانه‌های ثانوی

شماره	نام نشانه	علامت	مثال
۱	زیر (فتحه)	ـَ	گرماء، ذریجات
۲	پیش (ضمه)	ـِ	گندم، عبور
۳	زیر (کسره)	ـِـ	بگناه، فرستادن
۴	سکون (جزم)	ـْ	دُن، گِرِه
۵	تشدید	ـّ	معلم، حقِ مطلب
۶	پای کوتاه روی‌های غیرملفوظ	ـُ	نامه من
۷	تنوین نصب	ـُ، ـِ، ـِـ	ظاهراً، واقعاً، بناءً علی هذا
۸	تنوین رفع	ـُـ	مضاف الیه
۹	تنوین جزّ	ـِـ	بعبارةٔ اُخری

توضیح: استعمال نشانه‌های شماره‌های ۱، ۲، ۳، ۴، ۵ الزامی نیست و این علائم را عمدتاً برای رفع ابهام به کار می‌برند.



## املاي بعضی از واژه‌ها و پیشوندها و پسوندها

ای (حرف ندا) همیشه جدا از منادا نوشته می‌شود:

ای‌خدا، ای‌که

این، آن جدا از جزء و کلمه پس از خود نوشته می‌شود:

استثنا: آنچه، آنکه، اینکه، اینها، آنها، اینجا، آنجا، وانگهی

همین، همان همواره جدا از کلمه پس از خود نوشته می‌شود:

همین‌خانه، همین‌جا، همان‌کتاب، همان‌جا

هیچ همواره جدا از کلمه پس از خود نوشته می‌شود:

هیچ‌یک، هیچ‌کدام، هیچ‌کس

چه جدا از کلمه پس از خود نوشته می‌شود، مگر در:

چرا، چگونه، چقدر، چطور، چسان

چه جدا از کلمه پیش از خود نوشته می‌شود، مگر در:

آنچه، چنانچه

را در همه جا جدا از کلمه پیش از خود نوشته می‌شود، مگر در:

چرا در معنای «برای چه؟» و در معنای «آری»، در پاسخ به پرسش

منفی.

که جدا از کلمه پیش از خود نوشته می‌شود:

چنانکه، آنکه (= آنکسی که)

استثنا: بلکه، آنکه، اینکه

ابن، حذف یا حفظِ همزهٔ این کلمه، وقتی که بین دو عَلم واقع شود، هر دو صحیح است:

حسین بن علی / حسین ابن علی؛ محمد بن زکریای رازی / محمد ابن

زکریای رازی؛ حسین بن عبدالله بن سینا / حسین ابن عبدالله ابن سینا

به در موارد زیر پیوسته نوشته می‌شود:

۱. هنگامی که بر سر فعل یا مصدر بیاید (همان‌که اصطلاحاً «بای زینت» یا

«بای تأکید» خوانده می‌شود):

بگفتم، بروم، بنماید، بگفتن (= گفتن)

۲. به صورتِ بدین، بدان، بدو، بدیشان<sup>۱</sup> به کار رود.

۳. هرگاه صفت بسازد:

بخورد، بشکوه، بهنجار، بنام

به در سایر موارد جدا نوشته می‌شود:

به برادرت گفتم، به سر بردن، به آواز بلند، به سختی، منزل به منزل،

به نام خدا

– هرگاه «بای زینت»، «نون نفی»، «میم نهی» بر سر افعالی که با الفِ مفتوح یا

مضموم آغاز می‌شوند (مانند انداختن، افتادن، افکندن) بیاید، «الف» در نوشتن

حذف می‌شود:

بینداز، نیفتاد، میفکن

بی همیشه جدا از کلمهٔ پس از خود نوشته می‌شود، مگر آنکه کلمه بسیط‌گونه

باشد، یعنی معنای آن دقیقاً مرکب از معانی اجزای آن نباشد:

بیهوده، بیخود، بیراه، بیچاره، بی‌نوا، بیجا

می و همی همواره جدا از کلمهٔ پس از خود نوشته می‌شود:

می‌رود، می‌افکند، همی‌گوید

۱. گونهٔ قدیمی حرف اضافهٔ «به» فقط در کلمات بدین، بدان، بدو، بدیشان باقی مانده است.

## دستور خط فارسی ۲۳

هم همواره جدا از کلمه پس از خود نوشته می شود، مگر در موارد زیر:  
۱. کلمه بسیط گونه باشد:

همشهری، همشیره، همدیگر، همسایه، همین، همان، همچنین، همچنان

۲. جزء دوم تک هجایی باشد:

همدرس، همسنگ، همکار، همراه

۳. جزء دوم با مصوت «آ» شروع شود، مگر هنگامی که همزه در ابتدای جزء دوم تلفظ شود:

همایش، همآورد، هماهنگ

هم آرزو، هم آردمان

تبصره: هم، بر سر کلماتی که با «الف» یا «م» آغاز می شود، جدا نوشته می شود:

هم اسم، هم مرز، هم مسلک

تر و ترین همواره جدا از کلمه پیش از خود نوشته می شود، مگر در:

بهتر، مهتر، کهتر، بیشتر، کمتر

ها (نشانه جمع) همواره به کلمه پیش از خود می چسبند، مانند کتابها، باغها،

چاهها، کوهها، گرهما، مگر هنگامی که:

۱. بخواهیم صورت مفرد کلمه را مشخص کنیم:

کتابها، درسها، باغها

۲. کلمه به های غیر ملفوظ (بیان حرکت) و یا های ملفوظی که حرف قبل از آن

حرف متصل باشد، ختم شود:

میوهها، خانهها

سفینهها، فقیهها، پیهها، بهها

مجموعه ام، ای، است، ...

صورت‌های متصل فعلی «بودن» در زمان حال (ام، ای، است، ایم، اید، اند)، به صورت‌های زیر نوشته می‌شود:

کلمات مختوم به	صامت میانجی	مثال
صامت منفصل	-	خشنودم    خشنودی    خشنوداست خشنودیم    خشنودید    خشنودند رهروم    رهروی    رهرواست رهرویم    رهروید    رهروند پاکم    پاکي    پاک است پاکیم    پاکید    پاک‌اند
«آه»	«ه»	دانایم    دانایی    داناست* داناییم    دانایید <sup>۱</sup> دانایند دانشجویم    دانشجویی    دانشجوست* دانشجوییم    دانشجوید    دانشجویند
«و» با صدایی نظیر آنچه در «دانشجو» به کار رفته است	همزه	نوایم    نوای / نویی    نویی* نوایم (ساکن‌رند) / مترواید <sup>۲</sup> نوایند خسته‌ام    خسته‌ای    خسته‌است خسته‌ایم    خسته‌اید    خسته‌اند
«و» با صدایی نظیر آنچه در «نو» به کار رفته است «-» (های بیان حرکت)	همزه	تیزیم / ام    تیزی / ای    تیزی است تیزی‌ایم    تیزی‌اید    تیزی‌اند کاری‌ام    کاری / ای    کاری است کاری‌ایم    کاری‌اید    کاری‌اند

\* کلمه‌های ستاره‌دار در این جدول از قاعده مستثنا هستند.

- چنانچه کلمه‌ای مختوم به مصوت باشد و جزء پس از آن نیز با مصوت آغاز شده باشد، می‌توان در فاصله میان دو مصوت از دو نوع صامت میانجی (با ارزش یکسان) استفاده کرد: یکی صامت «ی» و دیگری صامت «همزه». نظیر دانایید / دانایید؛ زیبای / زیبای؛ تنهای / تنهای، که در بعضی همزه غلبه دارد و در بعضی دیگر «ی» و از کلمه‌ای به کلمه دیگر فرق می‌کند. در اینجا، برای حفظ یکدستی و سهولت آموزش، صامت میانجی «ی» انتخاب شده است.
- چون «تواید» معنا ندارد، «مترواید» آورده شد.

## ضمایر ملکی و مفعولی

ضمایر ملکی و مفعولی<sup>۱</sup> [م، ے، ش، مان (مان)، تان (تان)، شان (شان)]، در حالات شش گانه، همراه با واژه های پیش از خود به صورتهای زیر نوشته می شود:

کلمات محترم به	صامت میانجی	مثال
صامت منفصل	-	برادرم برادرت برادرش برادرمان برادرشان برادرشان کنزیم کنایت کنزیش کتابمان کتابت کتابش
«و» با صدایی نظیر آنچه در «هروه» به کار رفته است	-	رهروم رهروت رهروش رهرومان رهروشان رهروشان
«ای»	«ی»	پایم پایت پایش پایمان پایتان پایشان عمویم عمویت عمویش عمویمان عمویتان عمویشان
«د» (های بیان حرکت) پیش از ضمایر ملکی مفرد	همزه	خانهم خانهدان خانهدانش خانمان خانهدان خانهدانش
«آئی» پیش از ضمایر ملکی مفرد	همزه	برام برات برایش بریمان بریتان برایشان
«ای» پیش از ضمایر ملکی مفرد	همزه	گشتم گشتی ام گشتی اش گشتمان گشتی تان گشتی شان رادبوم رادیوات رادیواش رادبومان رادیوتان رادیوشان
«و» با صدایی نظیر آنچه در «رادبو» به کار رفته است پیش از ضمایر ملکی مفرد	همزه <sup>۲</sup>	

۱. در دستورهای اخیر، به جای اصطلاحاتی نظیر «ضمیر ملکی» یا «ضمیر مفعولی»، اصطلاح «ضمیر شخصی متصل» به کار می رود.
۲. این «ی» ممکن است در مواردی حذف شود. در تداول عامه «بابام» به جای «بابایم» گفته می شود. در ادبیات داستانی هم، زمانی که نویسنده زبان گفتار را ضبط می کند، وضع به همین منوال است. در شعر به ضرورت شعری این حذف صورت می گیرد، مثلاً استعمال «بازوت» به جای «بازویت» در این مصراع: «آفرین بر دست و بر بازوت باد».
۳. در محاوره، اصولاً همزه و مصوت آغازی حذف می شود. مثلاً گفته می شود «رادبوم خراب شد» و نه «رادبوام خراب شد».

## یای نکره و مصدری و نسبی

یای نکره (همچنین یای مصدری و نسبی) در حالات گوناگون به صورتهای زیر نوشته می‌شود:

کلمات مضموم به	صامت میانجی	مثال
صامت منفصل	-	برادری
صامت متصل ووه با صدایی نظیر آنچه در «رهرو» به کار رفته است	-	کتابی
«هـ» (های بیان حرکت) <sup>۱</sup>	همزه	رهروی
«ای»	همزه	خانه‌ای
«ای»	همزه	تیزی‌ای
ووه با صدایی نظیر آنچه در «رادیو» به کار رفته است	«وی»	کشتی‌ای
«آه»	«وی»	رادیویی
ووه با صدایی نظیر آنچه در «دانشجو» به کار رفته است	«وی»	دانا‌یی
	«وی»	دانشجویی

۱. های بیان حرکت، در الحاق به «یای مصدری»، حذف می‌شود و «گ» میانجی به جای آن می‌آید: بندگی. در چند کلمه، های بیان حرکت در الحاق به «یای نسبت» افتاده و «گ» میانجی اضافه شده است: «خانگی»، «همبستگی»، «هفتگی».

## کسره اضافه

نشانه کسره اضافه در خط آورده نمی‌شود، مگر برای رفع ابهام در کلماتی که دشواری ایجاد می‌کند:

اسب سواری / اسب سواری

– کلماتی مانند رهرو، پرتو، جلو، در حالت مضاف، گاهی با صامت میانجی «ی» می‌آید، مانند «پرتوی آفتاب» و گاهی بدون آن، مانند «پرتو آفتاب». آوردن یا نیاوردن صامت میانجی «ی» تابع تلفظ خواهد بود.

– برای کلمات مختوم به های بیان حرکت، در حالت مضاف، از علامت «ه» (ی کوتاه شده شبیه همزه) استفاده می‌شود:

خانه من، نامه او

– «ی»، در کلمه‌های عربی مختوم به «ئی» (که «آ» تلفظ می‌شود)، در اضافه به کلمه بعد از خود، به «الف» تبدیل می‌شود:

عیسای مسیح، موسای کلیم، هوای نفس، کُبرای قیاس

## نشانه همزه\*

### همزه میانی

الف) اگر حرف پیش از آن مفتوح باشد، روی کرسی «ا» نوشته می‌شود، مگر آنکه پس از آن مصوّت «ای» و «او» و «ب» باشد که در این صورت روی کرسی «ی» نوشته می‌شود:

رأفت، تأسف، تاللق، مانوس، شأن

رئیس، لئیم، رئوف، مئوت، مطمئن، مسمئز

تبصره: در کلمات عربی بر وزن «مُفَعِّل» نظیر متأقر، متأخر، متألم که در تداول، اولین فتحه آنها به کسره تبدیل شده، همان صورت عربی آن ملاک قرار گرفته است.

ب) اگر حرف پیش از آن مضموم باشد، روی کرسی «و» نوشته می‌شود، مگر آنکه پس از آن مصوّت «او» باشد که در این صورت روی کرسی «ی» نوشته می‌شود:

رؤیا، رؤسا، مؤسسه، مؤذن، مؤثر، مؤانست

شئون، رئوس

---

\* گاهی، خصوصاً در خوشنویسی، در زیر همزه پایانی «ه»، بدون اینکه به کلمه دیگری اضافه شده باشد، علامتی شبیه کسره می‌گذارند که صحیح نیست.



## دستور خط فارسی ۲۹

ج) اگر حرف پیش از آن مفتوح یا ساکن و پس از آن حرف «آ» باشد، به صورت  $\bar{A}/\bar{A}$  نوشته می‌شود:

مأخذ، لالی، قرآن، مرات

در بقیه موارد و در کلیه کلمات دخیل فرنگی با کرسی «ی» نوشته می‌شود:

لثام، رئالیست، قرائات، استثنائات، مسئول، مسئله، جرئت، هیئت،

لثون، سئول، تئاتر، نئون<sup>۱</sup>

استثنا: توأم

### همزه پایانی

الف) اگر حرف پیش از آن مفتوح باشد (مانند همزه میانی ماقبل مفتوح)،

روی کرسی «ا» نوشته می‌شود:

خلأ، ملأ، مبدأ، منشأ، ملجأ

ب) اگر حرف پیش از آن مضموم باشد (مانند همزه میانی ماقبل مضموم)،

روی کرسی «و» نوشته می‌شود:

لؤلؤ، تلألؤ

ج) اگر حرف پیش از آن مکسور باشد، روی کرسی «ی» نوشته می‌شود:

متلألئ<sup>۲</sup>

د) اگر حرف پیش از آن ساکن یا یکی از مصوت‌های بلند «آ» و «او» و «ای»

باشد، بدون کرسی نوشته می‌شود:

جزء، سوء، شیء، بطةء، بطیء، سماء، ماء، املاء، انشاء<sup>۳</sup>

۱. کلمه هیدروژن گاهی هیدروژن نوشته می‌شود که صحیح نیست.

۲. کلمه منشی در اصل منشی بوده است که در فارسی «ه» به «ی» بدل شده است.

۳. همزه پایانی بدون کرسی در کلمات انشاء، املاء، اعضاء، در فارسی، در اضافه به کلمه بعد از خود، غالباً حذف می‌شود و به جای آن «ی» میانجی می‌آید، مانند انشای خوب، اعضای بدن، ولی حفظ همزه آن هم صحیح است: انشاء خوب، اعضاء بدن.

تبصره ۱: کلماتی مانند انشاء، املاء، اعضاء در فارسی بدون همزه پایانی هم نوشته می شود که صحیح است.

تبصره ۲: هرگاه همزه پایانی ماقبل ساکن (بدون کرسی) یا همزه پایانی ماقبل مفتوح (با کرسی «ا») و یا همزه پایانی ماقبل مضموم (با کرسی «و») به یای وحدت یا نکره متصل شود، کرسی «ی» می گیرد و کرسی قبلی آن نیز حفظ می شود.

جزئی، شیئی، منشائی، مائی، لؤلؤئی

راهنمای کتابت همزه، در صفحات بعد، در جدول شماره ۳، ارائه شده است.

جدول ۳. راهنمای کتابت همزه

بدون کرسی	کرسی «ا»			
	کرسی «ی»	کرسی «و»	«أ، آ»	«أ، ا»
«ء»	«ئ، ٰ»	«ؤ، ٰ»	«أ، آ»	«أ، ا»
بُطء	اثنلاف	تلاؤ	قرآن	بأس
بَطِيء	ارائه	رؤسا	لآلى	تأثير
جزء	اسائه	رؤيا	مآل	تأخر
سوء	استثنائات	رؤيت	مرآت	تأخير
شمىء	استثنائى	سؤال	مآخذ	تأديب
ضوء	القائات	فؤاد	مآثر	تأذى
فىء	اورلثان	لؤلؤ	منشآت	تأشف
ماء	ايدئاليسم	لؤم	مآب	تأسيس
	بئانريس	مؤالفت	مآرب	تأكيد
	بئر	مؤانست		تألف
	پرومئئوس	مؤئلف		تأليف
	پئنگوئن	مؤئمن		تأمئل
	ئبرئئ	مؤئئر		تأمين
	ئخطئئ	مؤؤب		تأئى
	ئئائئر	مؤؤى		تأئيث
	ئئودور	مؤؤن		تأويل
	ئوطئئ	مؤؤسس		ئفأل
	ئزئئى	مؤؤسسئئ		ئلاؤؤ
	سؤئئى	مؤؤكئد		ئؤأم

بدون كرسى	كرسى «و»	كرسى «و، ح»	كرسى «ا»	
			«آ، آ»	«أ، أ»
« ۶ »	جرئت دنائت دوئل رافائل رئاليسٽ رئاليسم رئوس رئوف رئيس زئوئن زئوفيزيك سئانس سئول سئوئد سئينات شائول شئون قرائت قرائات كائكائو كلئوپاترا لائوس	مؤلف مؤمن مؤنث مؤؤل مؤيد		خلاء رأس رأى سبأ (قرآنى) شان مأنور مأجور مأخذ مأخوذ مأذون مأكول مألوف مأمن مأمور مأنوس مأوا مأيوس مبدأ متأثر متأخر متأذى متألم

بدون کرسی	کرسی «ی»	کرسی «و»	کرسی «ا»	
			«آ، آء»	«أ، اء»
« ء »	لثام، لثیم لثون لوثی مائومائو مسائل مستول مشوت مروتس مرئی مشممز ناپلثون نشہ نشئت نوئل تثون ویدثو ہیئت			متأمل متأهل متألین مستأصل ملاً ملجأ منشأ نبأ (قرآنی) یأس

## واژه‌ها و ترکیبات و عبارات مأخوذ از عربی

«ة» در واژه‌ها و ترکیبات و عبارات مأخوذ از عربی به صورتهای زیر نوشته می‌شود:

۱. اگر در آخر کلمه تلفظ شود، به صورت «ت» نوشته می‌شود:  
رحمت، جهت، قضات، نظارت، مراقبت، براثت  
استثنا: صلوة، مشکوة (آنجا که مراعات رسم الخط قرآنی این کلمات در نظر باشد).
۲. اگر در آخر کلمه تلفظ نشود، برای نشان دادن حرکت ماقبل آن، به صورت «ه/ه» (های بیان حرکت) نوشته می‌شود:  
علاقه، معاینه، نظاره، مراقبه، آتیه  
و در این حالت همه احکام متعلق به های بیان حرکت بر آن جاری است.  
علاقه‌مند، نظارگان، معاینه بیمار، مراقبه‌ای
۳. در ترکیبات عربی رایج در فارسی، مانند کامله الوداد، لیلۃ القدر، ثقة الاسلام، خاتمة الامر، دایرة المعارف، معمولاً به صورت «ة/ة» نوشته می‌شود، اما گاهی در بعضی از ترکیبات، مانند حجّت الاسلام و آیت‌الله، به صورت «ت» می‌آید که آن هم درست است.

## دستور خط فارسی ۳۵

«و» که در برخی از کلمه‌های عربی، مانند زکوة، حیوة، مشکوة، صلوة به صورت «آ» تلفظ می‌شود، در فارسی (جز در مواردی که رعایت رسم الخط قرآنی این‌گونه کلمات مورد نظر باشد) به صورت «الف» نوشته می‌شود.<sup>۱</sup>

زکات، حیات، مشکات، صلوات

تبصره: کلمه‌هایی مانند زکوة، مشکوة، صلوة (اگر به این صورت نوشته شده باشد)، در اضافه به «ی» نسبت یا وحدت، با «ا» و «ت» نوشته می‌شود:

زکاتی، مشکاتی، صلواتی، حیاتی

«الف کوتاه» همیشه به صورت «الف» نوشته می‌شود، مگر در موارد زیر:

۱. الی، علی، حتی، اولی، اولی

۲. اسمهای خاص:

عیسی، یحیی، مرتضی، مصطفی، موسی، مجتبی

تبصره: واژه‌هایی مانند اسمعیل، هرون، رحمن که در رسم الخط قرآنی به این صورت نوشته می‌شود در فارسی با «الف» نوشته می‌شود: اسماعیل، هارون، رحمان.

۳. ترکیباتی که عیناً از عربی گرفته شده است:

اعلام‌الهدی، بدرالدجین، طویس‌لک، لاتعدو لاتخصن، سیدرة‌المنتهی، لاتخصن (صیغه‌های فعلی)

— اسامی سوره‌های قرآن (مانند یس، طه، الم و ...) به شکل مضبوط در قرآن نوشته می‌شود، اما در کلماتی مانند یاسین، آل طاهرا و ... قاعده تطابق مکتوب و ملفوظ رعایت می‌شود.

۱. اسامی خاص در متون قدیم و نام خانوادگی اشخاص، اگر با املائی عربی ثبت شده باشد، به همان شکل حفظ می‌شود: مشکوة‌الدینی، حیوة‌الحیوان.

## تنوین، تشدید، حرکت‌گذاری

### هجای میانی «-وو-»

آوردنِ تنوین (در صورتی که تلفظ شود) در نوشته‌های رسمی و نیز در متون آموزشی الزامی است. تنوین به صورتهای زیر نوشته می‌شود:

۱. تنوین نصب: در همه جا به صورت «أ/أُ» نوشته می‌شود:

واقِعاً، جزئاً، موقتاً، عجالئاً، نتیجتاً، مقدمتاً، طبیعتاً، عمدأ، ایدأ<sup>۱</sup>

تبصره<sup>۱</sup>: کلمه‌های مختوم به همزه، مانند جزء، استثناء، ابتداء، هرگاه با تنوین نصب همراه باشد، همزه آنها روی کرسی «ی» می‌آید و تنوین روی «الف» بعد از آن قرار می‌گیرد: جزئاً، استثنائاً، ابتدائاً.

تبصره<sup>۲</sup>: تاء عربی «ة/ة»، اعم از آنکه در فارسی به صورت «ت» یا «ه/ه» (های بیان حرکت) نوشته یا تلفظ شود، در تنوین نصب، بدل به «ت» کشیده می‌شود و علامت تنوین روی الفی که پس از «ت» می‌آید قرار می‌گیرد، مانند نتیجتاً، موقتاً، نسبتاً، مقدمتاً، حقیقتاً.

۲. تنوین رفع و تنوین جرّ: در همه جا به صورت «ُ و ِ» نوشته می‌شود و فقط در ترکیبات مأخوذ از عربی که در زبان فارسی رایج است به کار می‌رود:

---

۱. اگر بخواهیم بی‌تنوین خوانده شود: مطلقاً، اصلاً، ایداً.



مشاراًلیه، مضافاًلیه، منقولٌ عنه، مختلفٌ فیهِ، متفقٌ علیه  
بعبارةً أُخری، اَباً عن جدِّ، اَبی نحو کان

گذاشتن تشدید همیشه ضرورت ندارد مگر در جایی که موجب ابهام و التباس  
شود که یکی از مصادیق آن هم نگاشته‌هاست:

معین / معین؛ علی / علی؛ دوار / دوار؛ کُره / کُره؛ بنا / بنا  
تبصره: در متون آموزشی برای نوآموزان و غیرفارسی‌زبانان و نیز در اسناد و  
متون رسمی دولتی، گذاشتن تشدید در همه موارد ضروری است.

حرکت‌گذاری تنها در حدی لازم است که احتمال بدخوانی داده شود:  
عَرَضه / عَرَضه؛ حَرَف / حَرَف؛ بُزْد / بُزْد؛ سَرچشمه / سَرچشمه

واژه‌های دارای هجای میانی «-وو-» با دو واو نوشته می‌شود:

طاووس، لهاور، کیکاووس، داوود

تبصره ۱: نوشتن «داود» با یک واو به تبعیت از رسم الخط قرآنی بلامانع است.

تبصره ۲: در مورد نام شخص، ضبط نهادی شده (مطابق شناسنامه) اختیار

می‌شود:

کاوس، کاوسی

## ترکیبات\*

در باب پیوسته‌نویسی و یا جدانویسی ترکیبات در زبان فارسی سه فرض قابل تصور است:

۱. تدوین قواعدی برای جدانویسی همه کلمات مرکب و تعیین موارد استثنا.
۲. تدوین قواعدی برای پیوسته‌نویسی همه کلمات مرکب و تعیین موارد استثنا.
۳. تدوین قواعدی برای جدانویسی الزامی بعضی از کلمات مرکب و پیوسته‌نویسی بعضی دیگر و دادن اختیار در خصوص سایر کلمات به نویسندگان. فرهنگستان در تدوین و تصویب «دستور خط فارسی»، فرض سوم را برگزیده و تنها موارد الزامی جدانویسی و یا پیوسته‌نویسی را به شرح زیر معین کرده است:

**الف) کلمات مرکبی که الزاماً پیوسته نوشته می‌شود:**

۱. کلمات مرکبی که از ترکیب با پیشوند ساخته می‌شود همیشه جدا نوشته می‌شود، مگر مرکب‌هایی که با پیشوندهای «به»، «بی» و «هم» با رعایت

---

\* در اینجا ترکیبات شامل مرکب و مشتق است و به معنایی اعم از معنای موردنظر نویسندگان کتابهای دستور زبان به کار رفته است.

استثناهایی، ساخته می‌شود و احکام آن در «املائی بعضی از واژه‌ها و پیشوندها و پسوندها» (ص ۲۲ و ۲۳) آمده است.

۲. کلمات مرکبی که از ترکیب با پسوند ساخته می‌شود همیشه پیوسته نوشته می‌شود، مگر هنگامی که:

الف) حرف پایانی جزء اول با حرف آغازی جزء دوم یکسان باشد:  
نظام‌مند، آب‌بان

ب) جزء اول آن عدد باشد:

پنج‌گانه، ده‌گانه، پانزده‌گانه

استثنا: بیستگانی (واحد پول)

تبصره: پسوند «وار» از حیث جدا و یا پیوسته‌نویسی تابع قاعده‌ای نیست، در بعضی کلمه‌ها جدا و در بعضی دیگر پیوسته نوشته می‌شود:

طوطی‌وار، فردوسی‌وار، طاووس‌وار، پری‌وار

بزرگوار، سوگوار، خانوار

۳. مرکب‌هایی که بسیط‌گونه است:

آبرو، الفبا، آبشار، نیشکر، رختخواب، یکشنبه، پنجشنبه، سیصد، هفتصد، یکتا، بیستگانی

۴. جزء دوم با «آ» آغاز شود و تک‌هجایی باشد:

گلاب، پساب، خوشاب، دستاس

تبصره: جزء دوم، اگر با «آ» آغاز شود و بیش از یک هجا داشته باشد، از قاعده‌ای تبعیت نمی‌کند: گاهی پیوسته نوشته می‌شود، مانند دلاویز، پشاهنگ، بسامد، و گاهی جدا، مانند دانش‌آموز، دل‌آگاه، زبان‌آور.

۵. هرگاه کاهش یا افزایش واجی یا ابدال یا ادغام و مزج یا جابه‌جایی آوایی در داخل آنها روی داده باشد:

چنو، هشیار، ولن‌گاری، شاهسپرم، نستعلیق، سکنجبین

۶. مرکبی که دست‌کم یک جزء آن کاربرد مستقل نداشته باشد:

غمخوار، رنگرز، کهربا

۷. مرکب‌هایی که جدانویشتن آنها التباس یا ابهام معنایی ایجاد کند:<sup>۱</sup>  
بهیار (به یار)، بهروز (به روز)، بهنام (به نام)
۸. کلمه‌های مرکبی که جزء دوم آنها تک‌هجایی باشد و به صورت رسمی یا نیمه‌رسمی، جنبه سازمانی و اداری و صنفی یافته باشد:  
استاندار، بخشدار، کتابدار، قالیشو، آشپز

(ب) کلمات مرکبی که الزاماً جدا نوشته می‌شود:

۱. ترکیب‌های اضافی (شامل موصوف و صفت، و مضاف و مضاف الیه):  
دست کم، شورای عالی، حاصل ضرب، صرف نظر، سیب زمینی، آب میوه،  
آب لیمو
۲. جزء دوم با «الف» آغاز شود:  
دل‌انگیز، عقب‌افتادگی، کم‌احساس
۳. حرف پایانی جزء اول با حرف آغازی جزء دوم همانند یا هم‌مخرج باشد:  
آیین‌نامه، پاک‌کن، کم‌مصرف، چوب‌بری، چوب‌پرده
۴. مرکب‌های اتباعی و نیز مرکب‌های متشکل از دو جزء مکرر:  
سنگین‌رنگین، پول‌مول، تک‌تک، حق‌حق
۵. مصدر مرکب و فعل مرکب:  
سخن‌گفتن، نگاه‌داشتن، سخن‌گفتم، نگاه‌داشتم
۶. مرکب‌هایی که یک جزء آنها کلمه دخیل فرنگی باشد:  
خوش‌پُز، شیک‌پوش، پاگوندار
۷. عبارتهای عربی که شامل چند جزء باشد:  
مع‌ذلک، من‌بعد، علی‌هذا، ان‌شاء‌الله، مع‌هذا، باری‌تعالی، حق‌تعالی،  
علی‌ای‌حال

---

۱. این التباس بیشتر در *بِه*، *کَه* و *کُ* (صورت *کُ* بیشتر در قدیم و عمدتاً در شعر به کار رفته است) مشاهده می‌شود: بهساز، کهربا، کهکشان، کهگیل، کهریز، کُفسار.

دستور خط فارسی ۴۱

تبصره: هر دو صورت نوشتاری «باسمه تعالی» و «بسمه تعالی» جایز است.  
۸. یک جزء از واژه‌های مرکب عدد باشد:

پنج‌تن، هفت‌گنبد، هشت‌بهشت، نه‌فلک، ده‌چرخه

تبصره: به استثنای عدد یک، که بسته به مورد و با توجه به قواعد دیگر، با هر دو املا صحیح است:

یکسویه / یکسویه؛ یکشبهه / یکشبهه؛ یکسره / یکسره؛ یکپارچه /  
یک پارچه

۹. کلمه‌های مرکبی که جزء اول آنها به‌های بیان حرکت ختم شود (های بیان حرکت در حکم حرف منفصل است):

بِهانه‌گیر، پایه‌دار، کناره‌گیر

تبصره: کلمه‌هایی مانند تشنگان، خفتگان، هفتگی، بچگی که در ترکیب، های بیان حرکت آنها حذف شده و به جای آن «گ» میانجی آمده است، از این قاعده مستثناست.

۱۰. کلمه با پیوسته نویسی، طولانی یا نامأنوس یا احیاناً پردندانه شود:

عافیت‌طلبی، مصلحت‌بین، پاک‌ضمیر، حقیقت‌جو

۱۱. هرگاه یکی از اجزای کلمه مرکب دارای چندگونه مختوم به حرف منفصل و حرف متصل باشد، چون جدانویسی‌گونه یا گونه‌های مختوم به حرف منفصل اجباری است به تبع آن جدانویسی‌گونه یا گونه‌های دیگر نیز منطقی‌تر است:

پابره‌نه / پای‌برهنه؛ پامال / پای‌مال

۱۲. یک جزء کلمه مرکب صفت مفعولی یا صفت فاعلی باشد:

اجل‌رسیده، نمک‌پرورده، اخلاص‌کننده، پاک‌کننده

۱۳. یک جزء آن اسم خاص باشد:

سعدی‌صفت، عیسی‌دم، عیسی‌رشته‌مریم‌بافته

۱۴. جزء آغازی یا پایانی آن بسامد زیاد داشته باشد:

نیک بخت، هفت پیکر، شاه نشین، سیه چشم

۱۵. هرگاه با پیوسته نویسی، اجزای ترکیب معلوم نشود و احیاناً ابهام معنایی

پدید آید:

پاک نام، پاک دامن، پاک رای، خوش بیاری

## واژه‌هایی با چند صورت املایی

در فارسی کلماتی وجود دارد که دارای دو یا چند صورت املایی مضبوط است. مراد واژه‌هایی است که در کتابت آنها حروف هماوا (ا/ع؛ ت/ط؛ ث/س/ص؛ ح/ه؛ ذ/ز/ض/ظ؛ غ/ق) به کار رفته باشد. فهرست این واژه‌ها و ضبط پیشنهادی برای آنها، به تفکیک عام و خاص، به شرح زیر است:

### فهرست واژه‌های دارای دو یا چند صورت املایی با ضبط مختار

در این فهرست فقط واژه‌هایی درج شده است که دارای دو یا چند صورت املایی ضبط‌شده باشد و علاوه بر آن در زبان فارسی امروز به کار رود، یا واژه‌هایی چون نامهای گیاهان و جانوران و خوراکیها و داروها و نظایر آنها که کاربرد فراوان دارد.

واژه‌های مهجور یا متروک در فهرست نیامده است. این‌گونه واژه‌ها از هر متنی با ضبط همان متن نقل می‌شود.

در مواردی که ضبط کلمه یا اسمی (اعم از اسم شخص یا محل جغرافیایی) با ضبط مختار آن کلمه یا اسم متفاوت باشد، در متون تاریخی و قدیمی همان ضبط قدیم نوشته می‌شود.

در ضبط واژه‌ها، ضوابط زیر به ترتیب اولویت رعایت شده است:

- رواج ضبط: مثلاً صورتهای آذوقه، حوله، حلیم، تالار، قناره، قورباغه و... به همین اعتبار انتخاب شده است.
- در موارد نادر، بعضی ملاحظات تاریخی و همچنین پرهیز از افزایش تعداد واژه‌هایی که دارای املاى واحد اما به دو یا چند معنی است مورد نظر بوده است.
- عموماً ضبط کتابهای درسی، به‌ویژه دبستانی، ترجیح داده شده است.
- صورت املائی تازه، هر چند مرجح باشد، پیشنهاد نشده است.

<u>ضبط مختار</u>	<u>صورتهای املائی*</u>
	آ / آ
آذوقه	آزوقه / آذوقه
آروغ	آروغ / آروق
آقا	آقا / آغا
<p>(کلمه «آقا» امروزه با حرف «ق» نوشته می‌شود، ولی این کلمه در قدیم گاهی لقب زنان بوده و با حرف «ع» به صورت «آغا» نوشته می‌شده است، مانند شادملک آغا، گلین آغا، و گاهی نیز با همین کتابت در مورد مردان به کار می‌رفته است، مانند آغامحمدخان و آغاباشا. در این موارد خاص، در خط فارسی امروز نیز همان ضبط قدیم رعایت می‌شود.)</p>	
اتاق	اتاق / اطاق
اتو / اطو	اتو / اطو

\* واژه‌هایی که حرف آغازی آنها دارای دوگونه نوشتاری است، برای سهولت مراجعه، فقط ذیل حرفی آورده شده که اگر می‌خواستیم آن کلمه را به فارسی سره بنویسیم با آن حرف می‌نوشتیم، به جز کلماتی که با دو حرف «ق» و «ع» آغاز می‌شود که ذیل حرف «ق» آورده شده است.



ضبط مختار

اختاپوس  
اسطبل  
اسطرلاب  
افستین  
آلم شنگه  
امپراتور  
امپراتریس  
أتراق

صورت‌های املائی

اختاپوس / اختاپوت  
اسطبل / اصطبل  
اسطرلاب / اصطرلاب  
افستین / افسنطین  
آلم شنگه / عَلم شنگه  
امپراتور / امپراطور  
امپراتریس / امپراطریس  
أتراق / اطراق

ب

باباغوری / باباقوری  
باتری / باطری  
باتلاق / باطلاق  
باجناغ / باجناق  
بغچه / بقچه  
بلغور / بلقور  
بلیت / بلیط

پ

باتوق / پاتوغ

ت

ترق و توروغ / تاراغ و توروغ  
طارم / تارم  
تنبور / طنبور  
طاس / تاس  
طاس کباب / تاس کباب

<u>صورت‌های املائی</u>	<u>ضبط مختار</u>
تاغ / تاق (نام درختچه)	تاغ
طاق / طاق	طاق
تاق / طاق (در مقابل جفت)	تاق
تاقدیس / طاقدیس	طاقدیس
تالار / طالار	تالار
تاؤل / طاؤل	تاؤل
تایر / طایر (چرخ ماشین)	تایر
تباشیر / طباشیر	تباشیر
تبرخون / طبرخون	تبرخون / طبرخون
تبرزد / طبرزد	تبرزد / طبرزد
تبرزین / طبرزین	تبرزین
تپانچه / طبانچه	تپانچه
تپیدن / طپیدن	تپیدن
	(مشتقات آن نیز با «ت» نوشته می‌شود)
تیق / طبق / تیغ	تیق
گنماج / ططمماج (نام نوعی آش)	گنماج
تراز / طراز	تراز (= تراز آبی)
تراز / طراز	طراز (= نگار جامه)
	(همچنین در عبارتی مثل «طراز اول» به معنای «دارای مقام اول»)
	هم‌تراز و هم‌طراز هر دو صحیح است.
ترخون / طرخون	ترخون
ترقه / طرّقه	ترقه
تشت / طشت	تشت / طشت
تغار / طغار	تغار
تویقا / طویقا	طویقا
توفان / طوفان	توفان / طوفان

<u>ضبط مختار</u>	<u>صورت‌های املائی</u>
	چ
چارق چلغوز	چارق / چارغ چلغوز / چلقوز
	خ
خطمی	ختمی / خطمی (گُل)
	د
دوقلو	دوقلو / دوغلو
	ز
زغال	زغال / ذغال
	س
سوغات	سوغات / سوقات
	غ
غلتیدن (همچنین مشتقات آن مثل «غلتان»، «غلتک»، «بام غلتان»)	غلتیدن / غلطیدن
	ق
قاتی قاروقور قیاد قَدّاره	قاتی / قاطی قاروقور / غاروغور قیاد / غیاد (نام ماهی) قَدّاره / غَدّاره

<u>صورت‌های املائی</u>	<u>ضبط مختار</u>
قدقد / غدغد	قدقد
قدغن / غدغن / غدقن	غدغن
قراقروت / قراقروط	قراقروت
قرتی / غرتی	قرتی
قرشمال / غرشمال	قرشمال
قُرُق / عُرُق	قرق
قرمه / غرمه / قورمه	قورمه
قروش / غروش	قروش
قَزَقان / قَزغان	قَزَقان
(گونه‌های دیگر: قازغان / قازقان، غزغن / قزغن)	
قشقرق / غشغرق	قشقرق
قشلاق / قشلاغ	قشلاق
(گونه‌های دیگر: فیشلاق / قیشلاغ)	
ققس / ققص	ققس
قُلپ / غُلپ	قُلپ
قلنبه / غلنبه	قلنبه
قلیان / غلیان	قلیان
قورباغه / غورباغه	قورباغه
قورت / غورت	قورت
قوطی / فوتی	قوطی
قِيقاج / غیقاج	قِيقاج
قِیماق / قِیماغ	قِیماق
ل	
لاتاری / لاطاری	لاتاری
لق / لغ	لق
لقولوق / لغولوغ	لقولوق

<u>ضبط مختار</u>	<u>صورت‌های املائی</u>
لوق	لوق / لوقغ
لوطی	لوطی / لوتی
	م
ملاط	ملات / ملاط
	ن
ناسور	ناسور / ناصور
نسطوری	نسطوری / نستوری
نوق	نوق / نوقغ
نفت	نفت / نفظ
نفتالین	نفتالین / نفظالین
	و
ورقلمبیدن	ورقلمبیدن / ورقلمبیدن
وغوغ	وقوق / وغوغ
	ه
حلیم	هلیم / حلیم
حوله	هوله / حوله
هیز	هیز / حیز
	ی
یاتاقان	یاتاقان / یاطاقان
یالقوز	یالقوز / یالغوز
یورغه	یُرغه / یورغه / یورقه / یورغه
یغور	یغور / یقور

فهرست اعلام دارای دو یا چند صورت املائی با ضبط مختار

<u>ضبط مختار</u>	<u>صورت‌های املائی</u>
	آ / آ
آقاخان	آقاخان / آقاخان
آغاچری	آغاچری / آقاچری
آلاداغ	آلاداغ / آلاداق
اترار	اتراز / اطرار
اتریش	اتریش / اطویش
اصطهبانات <sup>۱</sup>	استهبانات / اصطهبانات / اصطهبانات
استخر / اسطخر	استخر / اسطخر / اصطخر
ایتالیا	ایتالیا / ایطالیا
ایذه	ایذه / ایزه
ب	
باطوم	باتوم / باطوم
بوزرجمهر	بوذرجمهر / بوزرجمهر
پ	
پترکبیر	پترکبیر / پطرکبیر
پترزبورگ	پترزبورگ / پطرزبورگ
ت	
تائیس	تائیس / طائیس
تاب	تاب / طاب
	(نام رودی که از کهکینوبه سرچشمه می‌گیرد)

۱. وزارت کشور، در تقسیمات کشوری، «استهبان» را به جای «استهبانات» برگزیده است.

<u>صورت‌های املائی</u>	<u>ضبط مختار</u>
تارم / طارم	طارم
تالش / طالش	تالش / طالش
تایباد / طایباد	تایباد
تَبَرک / طَبَرک	تَبَرک
تپور / طپور	تپور
تخار / طخار	تخار / طخار
تخارستان / طخارستان	تخارستان / طخارستان
تراپلس / طراپلس	طراپلس
ترشیز / طرشیز	ترشیز
ترقبه / طرقبه	ترقبه / طرقبه*
تسوج / طسوج	تسوج / طسوج*
توالش / طوالش	توالش / طوالش*
توس / طوس	توس / طوس*
توسی / طوسی	طوسی
	(طوسی وقتی اسم یا لقب باشد، مانند خواجه نصیرالدین طوسی، فردوسی طوسی، همیشه با «ط» می‌آید).
تهران / طهران	تهران
تهماسب / طهماسب	تهماسب / طهماسب
تهمورث / طهمورث	تهمورث / طهمورث
تیسفون / طیسفون	تیسفون
<b>ج</b>	
جابلسا / جابلسا	جابلسا
<b>خ</b>	
ختا / خطا	ختا

ضبط مختار

صورت‌های املائی

خاف

خواف / خاف

ز

زنون

زنون / ذنن

س

ساوجیلاغ  
سُغد  
سقلاب / صقلاب

ساوجیلاق / ساوجیلاغ  
سُغد / صُغد  
سقلاب / صقلاب

ش

شبورغان

شبورغان / شبورقان

ع

عیسو

عیسو / عیصو

ق

قباد  
قَرلق  
قره آغاج

قباد / غباد  
قَرلغ / قَرلق  
قره آغاج / قره آقاج

ی

کیقباد

کیقباد / کیغباد

ل

لوت  
لوط

لوت / لوط (کوبر)  
لوت / لوط (قوم)